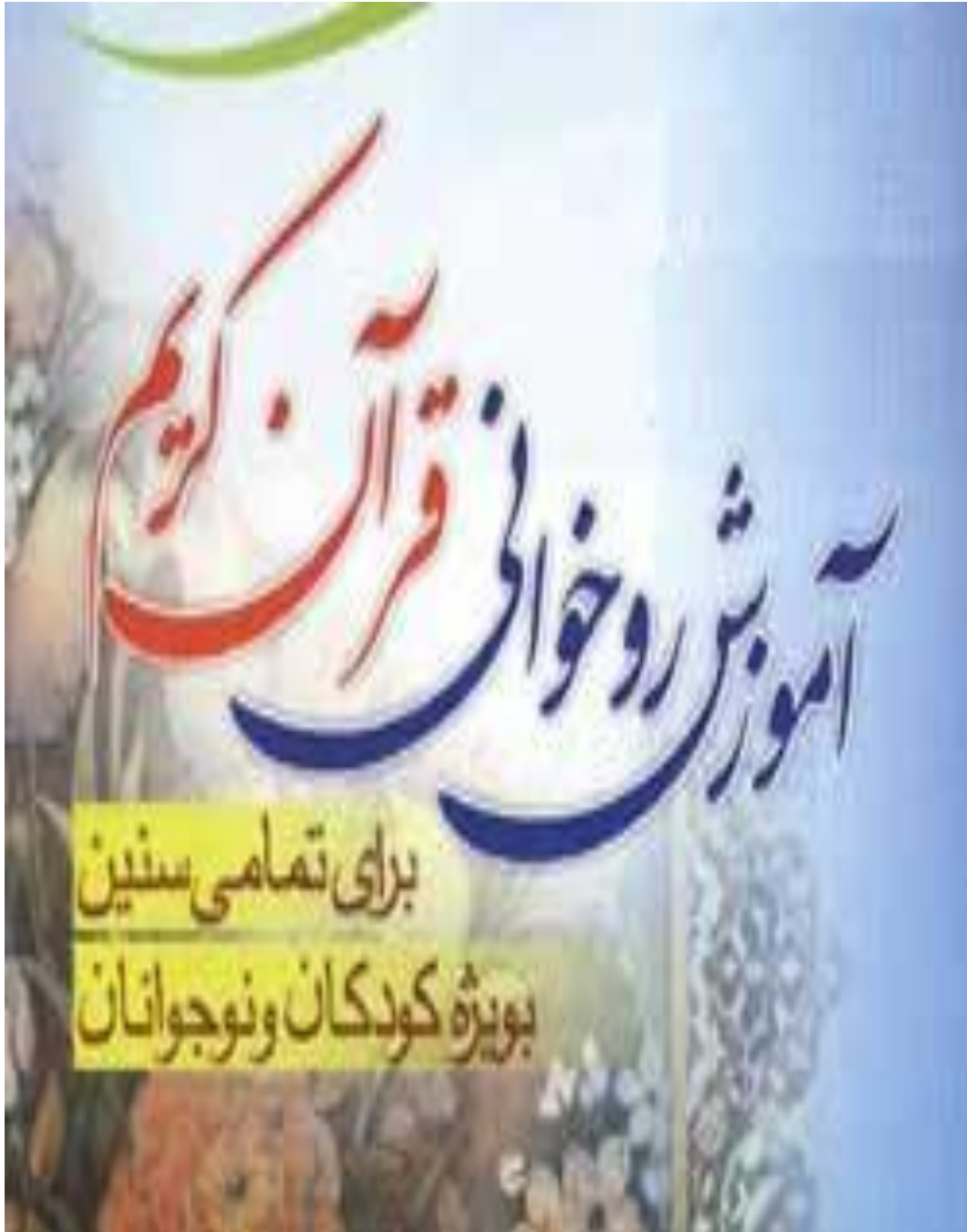


درسنامه روخوانی قرآن کریم





فهرست

مقدمه

الفبای عربی

آشنایی با صداها

سکون

تشدید

تنوین

مد

مخارج حروف

نون ساکنه

میم ساکنه

حروف شمسی و قمری

مد و قصر

حروف مقطعه

وقف و ابتداء

هء ضمير

قواعد آشنایی با قرائت و روانخوانی قرآن کریم

۱- مقدمه

۱- اهمیت و آثار تلاوت قرآن کریم

خداوند متعال در آیات متعددی از کلام وحی، مسلمین را به قرائت قرآن ترغیب فرموده که از جمله این آیه ی کریمه است:

«فَاقْرَءُوا مَا تيسر من القرآن» (مزمّل ۲۰)، (پس در هر حال آنچه میسر است به قرائت قرآن پردازید)

که در یک ایه دوبار این تذکر الهی آمده است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: همانا اهل قرآن در بلندترین درجات آدمیان هستند بجز پیمبران و مرسلین، پس حقوق اهل قرآن را اندک و کم شمارید، زیرا برای ایشان از طرف خدای عزیز جبار مقام بلندی است. (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی؛ ج ۴؛ ص ۴۰۴)

و فرمودند که بهترین عبادت، تلاوت قرآن است (وسایلج ۴ ص ۸۲۷)

و فرمودند بهترین شما کسانی هستند که قرآن می آموزند و آموزش می دهند. (مستدرک وسائل ج ۴ ص ۲۳۵)

چرا باید قرآن بخوانیم؟ زیرا قرآن رسالتهای مهمی دارد از جمله:

۱- هدایت انسانها «هدی للناس» فصلت ۴۲، «هدی للمتقین» بقره ۲

۲- معرفت الهی «انما یخشى الله من عباده العلماء» فاطر ۲۸، «شهد الله أنه لا اله الا هو و

الملائکة و اولوالعلم قائماً بالقسط لا اله الا هو الله العزيز الحكيم» آل عمران ۱۸

۳- نشان دادن آداب معاشرت «انما المؤمنون اخوة» حجرات ۱۰، «خوبی و بدی باهم

مساوی نیستند پس آنچه نکوتر است را انجام بده در این صورت دشمنی به دوستی تبدیل می شود» فصلت ۳۴، «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» حجرات ۱۳، «ای اهل ایمان یکدیگر رامسخره

نکنید» حجرات ۱۱

۴- آداب زندگی «فرزندان خود را از ترس فقر نکشید که ما هم شماوهم آنان را

روزی می دهیم. کشتن آنها خطاء بزرگی است. و به زنا نزدیک نشوید که فحشا و راه بدی است. و کسی را بناحق نکشید و هر که کشت شد ما به ولی او حق قصاص داده ایم. پس در

کشتن قاتل از حد نگذراند. به مال یتیم تا زمان بلوغش هم نزدیک نشوید مگر آنکه بسود یتیم باشد. وفای به عهد کنید که باز خواست خواهید شد. و پیمان را کامل کنید که

برای شما بهتر و خوش عاقبت تر است. و از غیر علم پیروی نکنید که گوش و چشم و دل

مورد بازخواست واقع می گردند. و با تکبر بر روی زمین راه نرو.» اسراء ۳۱ تا ۳۷

یعنی مال بسیار دوست دارند.» «کلوا واشربوا ولا تسرفوا» اعراف ۳۱

۵- آداب سیاست «ای مؤمنین! تقوای الهی داشته و به خدا و رسول ایمان بیاورید تا از

رحمتش متکفل شما شده و به شما نوری دهد تا در آن نور راه روید» حدید ۲۸، «خدا

سرپرست مؤمنان است که آنها را از تاریکی به نور می‌برد ولی سرپرست کفار، طاغوت‌ها هستند که آنها را از نور به تاریکی می‌برند.» بقره ۲۵۴، «امروز (غدیر) دین را کامل کردم و نعمت را تمام نمودم و اسلام را برای شما پسندیدم» مائده ۳

و علاوه بر این رسالتها، اُنس با قرآن کریم آثار بسیار مهمی دارد مانند:

آثار اُنس با قرآن

۱- شفای دل‌های مؤمنین

۲- رحمت برای مؤمنین

۳- هدایت برای باتقوایان

۴- پناهگاه در مقابل شیطان

۵- باعث سنگینی میزان اعمال

۶- زیباترین قصه

۷- بلیغ‌ترین موعظه

۸- سودمندترین نصیحت

۹- شفیع روز جزا

۱۰- دارای ثواب زیاد برای قاری

۱۱- پاک شدن گناهان

۱۲- ...

این کتاب قواعدی را برای یادگیری آسان قرآن کریم ارائه می کند. انشا الله که مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

قواعد روخوانی قرآن کریم

الفبای عربی

الفبای عربی ۲۸ حرف است و تفاوتی با الفبای فارسی که ۳۲ حرف است، ندارد بجز چهار حرف: گچ پژ

واین امتیاز بزرگی برای زبان فارسی است که بسیار به زبان عربی نزدیک است لذا یاد گرفتن زبان عربی را برای فارسی زبانان آسان تر نموده است.

حروف الفبای عربی به دو دسته شمسی و قمری تقسیم می شوند.

حروف شمسی شامل چهارده حرف هستند که هنگام آوردن الف و لام قبل این حروف، لام خوانده نمی شود. و عبارت است از:

ت-ث-د-ذ-ر-ز-س-ش-ص-ض-ط-ظ--ل-ن

مثال: وَالشَّمْسِ، هُمُ السُّفَهَاءُ، مَلِكِ النَّاسِ

حرف قمری شامل چهارده حرف که هنگام آوردن الف و لام قبل این حروف، لام خوانده می شود و عبارت است از:

ء-ب-ج-ح-خ-ع-غ-ف-ق-ک-م-و-ی-ه

لام تعریف نزد حروف قمری خوانا می باشد، مثال: وَالْقَمَرُ

حرف لام در کلمات زیر، جزء اصلی کلمه (لام الفعل ساکن یا لام الحرف ساکن) و خوانا می باشد:

فَالْتَمِسُوا، فَالْتَقَطْهُ، فَالْتَقَمَهُ، فَالْتَقَى، إِذَا التَّقَيْتُمْ، وَالتَّقَّتِ

زبان عربی برای ما فارسی زبانان، زبان بیگانه ای نیست زیرا عربی زبان قران و حدیث و روایات است. زبان نماز و دعاهاى ما است. زبان هزاران جلد کتاب علمى در موضوعات مختلف است.

پس هر که بتواند عربی یاد بگیرد میتواند قدمهای بلندی در کسب معارف اسلامى بردارد.

تمرین:

۱- حروف شمسى و قمرى کدامند؟

۲- در آیات زیر حروف قمرى و شمسى را مشخص کنید:

سورة النَّاسِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ «۱» مَلِكِ النَّاسِ «۲» إِلَهِ النَّاسِ «۳» مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ «۴» الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ «۵» مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ «۶»

۲- آشنایی با صداهای کوتاه و بلند

صدا ها عبارتند از:

۱- صداهای کوتاه (اصلي)

()

فتحه كسره ضمه

مانند ضَرَبَ . كَتَبَ . قُتِلَ . صَعِقَ . سُئِلَ

علت اینکه اینها را صدا می گویند آنست که حروف و کلمات در قرآن بدون اینها یا اصلاً خوانده نمی شوند مثل حروف (والي) و یا به فامیل خوانده می شوند مثل حروف مقطعه

۲- صداهای بلند (کشیده)

()

که این سه فرعی هستند زیرا از کشیده شدن صداهای کوتاه بوجود می آیند .

تمرین:

۱- صداهای کوتاه را بیان کنید

۲- در آیات زیر حروفی که دارای صدای کوتاه هستند مشخص نمایید:

سورة الْكَوْثَرِ

اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَاَنْحَرْ ﴿٢﴾ اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاُخْرٰى ﴿٣﴾

کشیده شدن صداهای کوتاه

هرگاه پس از حرف مفتوح (فتحه دار) یکی از حروف (و - ا - ی) بدون

صدا و علامت قرار گرفته باشد صدای کوتاه فتحه تبدیل به صدای

کشیده (ا) می شود مانند لَهَا = لَهَا . لَنَا = لَنَا. هَدَى = هَدَى . عَلَى

= عَلَى . صَلَوَه = صَلَوَه . حَيَوَه = حَيَوَه . که به هر دو شکل نوشتن

صحیح است و اکثر قرآن های چاپ کشورهای عربی به شکل اول

نوشته اند . و باید دانست که اگر به شکل اول نوشته شود فتحه روی

خود حرف باید گذاشته شود و اگر به شکل دوم نوشته شود صدای

کشیده روی حروف (و - ا - ی) گذاشته می شود.

زیرا این حروف سبب کشیده شدن صدای فتحه شده اند و در این صورت

اینها دیگر حروف نیستند بلکه کمک صدا هستند و به همین جهت

صدای کشیده روی آنها قرار می گیرد مگر آنکه حروف (و ا ی) از کلمه

حذف شده باشند که در این مورد صدای کشیده روی خود حرف مفتوح

گذاشته می شود مانند رَحْمَنِ . ذَلِكَ . هَرُونَ . خَلَقْنَاهُ .

استثناء - کلمه (آنا) با آنکه پس از فتحه الف واقع شده به صدای

کشیده خوانده نمی شود و ضمیر است.

و هر گاه پس از کسره حرف (ی - ی) بدون صدا و علامت باشد صدای

کوتاه کسره به صدای کشیده (ای) تبدیل می گردد مانند : فَي -

فَي . بِيَع = بِيَع . مَوَازِينُ = مَوَازِينُ.

و هر گاه پس از ضمه (واو) بدون علامت و صدا آمده باشد به صدای کشیده (اُو) تبدیل می گردد مانند مَنَعُوا . مُتَافِقُونَ . يَقُولُوا . جَاءُوا . توضیح اینکه حروف (وای) را مقید می کنیم که صدا و علامت نداشته تا موجب کشیده شدن صداهای کوتاه شوند بخاطر آنکه اگر خود حروف (وای) صدا یا علامتی داشته باشند حرف به حساب می آیند و خودشان خوانده می شوند و جنبه کمک صدا را نخواهند داشت مانند بَيِّع . شَيْئٌ .

تمرین:

۱- صداهای کشیده را بیان نمائید.

۲- صداهای کشیده در آیات زیر را مشخص نمائید:

سورة النصر

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ
إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

هرگاه صدای کشیده در آخر کلمه برخورد کند به کلمه ای که حرف اول آن ساکن یا مشدّد باشد به صدای کوتاه تبدیل می شود که در نتیجه حروف (وای) بدون مصرف بوده فقط در مورد

فصل دو کلمه بکار می آید مانند:

وَ امْتَارُوا الْيَوْمَ آيَّ هَٰٓةِ الْمُجْرِمُونَ

وَفِي السَّمَاءِ

لَقُوا الَّذِينَ

و برای حفظ اصل کلمه نوشته می شود.

۱- سکون و شکل‌های آن ° ^

حرفی که این علامت داشته باشد ساکن گویند علامت سکون و جزم در نوشتن یکی است اما جزم مخصوص حرف آخر فعل بوده و عامل می‌خواهد و عارضی است مانند الم يعلم ولی سکون بدون عامل بوده و ثابت است . معنی سکون آنست که حرف زیر آن خوانده می‌شود اما به كمك حرکت حرف قبل از خود و بتنهائی قابل تلفظ نیست و حتماً در بخش حرف قبل از خود قرار گرفته و به همین جهت سکون را علامت می‌گوئیم در مقابل صدا پس سکون = بیصدائی مانند مِنْ لَيْلٍ نَجْمٍ و در بعضی قرآنها اصلاً علامت سکون را ننوشته زیرا خود بی علامت بودن یعنی ساکن .

تمرین:

- ۱- معنی سکون را توضیح دهید.
- ۲- سکون را در آیات زیر مشخص نمایید.

سورة الأَعْرَافِ خلاص

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

۲- تشدید َ

حرف زیراین علامت را مشدّد می گوئیم . هرگاه دو حرف ۱ : هم جنس ۲: پهلوي هم اولي ساکن و دوّمی متحرّک باشد در هم ادغام می شوند یعنی اولي را برداشته و به جاي آن تشدید روی دوّمی قرار داده و این تشدید علامت آن است که این حرف در اصل دو تا بوده و اکنون هم باید دوبار خوانده شود اولي ساکن و دوّمی با صدا با اینکه اولي نوشته نشده ، که اگر نوشته شده باشد گذاشتن تشدید روی حرف دوم بیجاست زیرا تشدید عوض حرف ساکنی است که نوشته نشده باشد مانند مُعَلِّم که نوشته می شود مُعَلِّم

تذکر

اگر تشدید بخاطر همجنس شدن حرف آخر کلمه اي با حرف اول کلمه بعد از خود باشد (مثل ادغام لام در حرف شمسي و نون ساکن در یرملون) اگر چه حرف ساکن حذف نشده باشد ادغام و تشدید صحیح است بشرط آنکه سکون روی حرف اول نوشته نشده باشد چون تشدید عوض سکون است پس با وجود سکون روی حرف اول، تشدید روی حرف دوم غلط است .

اکنون باید دانست که از ۲۸ حرف الفبای عربي (ت ث د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ل ن) شمسي هستند یعنی هرگاه (اَلْ) بر سر کلمه اي که حرف اول آن یکی از این حروف باشد(ل) خوانده نشده و حرف شمسي بصورت مشدّد تلفظ می شود

مانند الصَّلوة – الصَّلوة .

تمرین:

۱-تشدید را تعریف نمائید.

۲-تشدید را در آیات زیر مشخص نمائید:

سورة الفلق «۰»

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ «۱» مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ «۲» وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ «۳» وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ «۴»
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ «۵»

تنوين َ ِ ً

تنوين عبارتست از دو صدا در نوشتن و يك صدا و نون ساكن در تلفظ كه اين نون ساكن عوض صدای دوم است مانند كتابُ كه (ب) دارای دو ضمه در نوشتن می باشد و در تلفظ كِتَابُنْ میشود. كه (ب) دارای یکصدا می باشد و عوض صدای دیگر (ن) گفته می شود.

تنوين فقط در آخر اسم می آید كه تنوين جر زیر حرف و رفع روی حرف قرار می گیرد اما تنوين نصب همیشه روی الفی كه بعنوان پایه تنوين در آخر كلمه زیاد می شود قرار می گیردمانند كتاباً مگر در چهار مورد

- ۱- جائيكه حرف آخر كلمه (ه - هـ) باشد مانند تبصرَةً
- ۲- جائيكه حرف آخر كلمه همزه ای باشد كه قبل از آن الف باشد ماءً . حياءَ (و چنانچه قبل از همزه الف نباشد براي تنوين نصب نیاز به پایه الف می باشد مانند سوءاً . جزءاً . لؤلؤاً
- ۳- جائيكه حرف آخر كلمه الف مقصوره (ياء آخر كلمه كه

قبلش مفتوح باشد بصدای (ا) خوانده می شود) باشد مانند

هدی . مولی . مسمی

۴- جائیکه حرف آخر کلمه همزه باشد و طبق قواعد همزه،

روی پایه الف قرار گرفته باشد مانند خَطَّاءٌ (تا در نوشتن دو

الف پهلوی هم نباشند) که در این چها مورد برای تنوین ن

نصب پایه الف اضافه نمی شود و در حالت وقف بصدای (ا)

تلفظ می شود مگر در مورد اول که (ه) تلفظ می شود.

رمز جدید در تنوین : هرگاه تنوین به این صورت نوشته شود

نشانه اظهار آنست و اگر به این صورت َ ُ نوشته

شود نشانه عدم اظهار است و اگر بجای حرکت دوم تنوین (م)

گذاشته شده باشد علامت قلب است سَمِيعٌ م بصیرٌ

تمرین:

۱- تنوین را تعریف نمائید.

۲- برای کدام تنوین، نیاز به پایه الف می باشد؟

۳- تنوین را درایات زیر مشخص نمائید:

سورة المسد - 4

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ «۱» مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ «۲» سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ «۳» 5-

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ «۴» فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ «۵»

مَد ~

علامت صحیح آن (~) می باشد و علامت (آ) در فارسی بجای صدای کشیده (ا) در عربی می باشد . هرگاه یکی از سه عامل مد یعنی صداهای کشیده (اِ اَي اُ) برخورد کند به یکی از سه سبب مد یعنی (ء َ ة ِ) همزه . سکون و تشدید در این صورت صدا کشیده ، کشیده تر خوانده می شود مانند سَاءَ سَيَّءٌ سُوءٌ . حَاجٌّ تَأْمُرُونِي . قَ = قَاف . نَ = نُون . سَ = سَین .

تذکر ۱- از ۲۸ حرف الفبای عربی (سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام میم نون واو) که فامیلشان در تلفظ سه حرفی است هرگاه در کلمات مقطع اول بعضی از سوره های قرآن قرار گرفته باشند چون صدا ندارند به فامیل خوانده می شوند و در این صورت عامل مد (صدای کشیده) و سبب مد (سکون) پهلوی هم قرار گرفته و در نتیجه مد بوجود می آید مانند (ق) که چون صدا ندارد به فامیل تلفظ می شود (قَاف) و کشیده تر خوانده می شود (اَلَمْ) الف - لَام - مِیم . (حَمَعَسَق) حَا - مِیم - عِین - سَین - قَاف .

تذکر ۲- مد بر سه قسم است

۱- هرگاه عامل و سبب مد در يك كلمه باشد مد لازم يا

متصل گویند مانند مثالهاي فوق

۲- هرگاه عامل مد در آخر يك كلمه و سبب مد در اول كلمه

بعد باشد آن را مد مستحب يا منفصل گویند مانند قَالُوا إِنَّ

۳- هر گاه عامل مد برخورد کند به سکون وقفي (سکون حاصل

از وقف کردن که در اصل حرکت بوده) مد غير لازم است

مانند مَدّ دوم وَلَا الضَّالِّينَ و علامت مد بدون صدا خوانده نمي

شود و حتماً بايد يکي از صداهاي کشيده با او باشد زيرا

علامت مد صدا نيست بلکه علامت کشيده تر خوانده صداي

کشيده مي باشد و حروف و کلمات را تنها به كمك صدا

مي توان خواند

تمرین:

۱-مد را تعريف نماييد.

۲-مد لازم و مد غير لازم چيست؟

۳-مد را درايات زير مشخص نماييد:

سورة البينة «۰»

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ «١» رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً «٢» فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ «٣» وَمَا تَفَلَّلَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا □ □ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ «٤» وَمَا أُمِرُوا إِلَّا □ □ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ «٥»

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ «٦» إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ «٧» جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ «٨»

۳- مخارج، صفات و ویژگی های حروف

مخارج حروف و تعداد آنها

تعریف:مخرج یعنی «محل خروج»؛ و در تجوید عبارت است از:

«محل خروج حرف-جایگاه تولید حرف»

هوای خارج شده از ریه ها، پس از عبور از حنجره اعم از این که تارهای صوتی را مرتعش سازد یا نه، در یکی از قسمتهای دستگاه تکلم محدود شده و بدین ترتیب «حرف» ایجاد می گردد.

تعداد مخارج حروف، ۱۷ عدد است. هر چند برخی از اهل اداء، آن را ۱۶ و ۱۴ عدد نیز ذکر کرده اند، اما قول مشهور همان ۱۷ عدد است. ترتیب شمارش و نام گذاری مخارج حروف از سمت ریه ها به سوی دهان است.

ابتدا خلاصه ای از مخارج را بیان می کنیم بعد در باره هر کدام توضیح می دهیم:

مخارج حروف:

چون دندانها در رعایت مخارج حروف نقش مهمی دارند، لذا انواع دندانها را ذکر می کنیم.

۱- دندانهای ثنایا که در جلو آرواره ها قرار گرفته و دوتا پایین و دوتا بالا است.

۲- دندانهای رباعیات که در دوطرف ثنایا واقع است که دوتا پایین و دوتا بالا است.

۳- دندانهای انیاب که در دوطرف رباعیات قرار دارند که در فارسی به آنها نیش گویند و

دوتا پایین و دوتا بالا هستند.

۴- اضراس یا آسیا که شامل الف-ضواحک یا آسیای کوچککه دوتا پایین ودوتا بالا و در دو طرف انیاب قرار گرفته اند.ب-طواحن یا آسیای بزرگ که شش تا پایین وشش تا بالا هستند و سه به سه در دو طرف ضواحک قرار گرفته اند.ج-نواجذیا عقل که دوتا پایین ودوتا بالا و در دو طرف طواحن واقع شده اند.

انواع مخارج:

۱-حروف حلقی شامل {ء-ه-ح-ع-خ-غ} هستند.

۲-حروف لهوی شامل {ق-ک} که با دخالت زبان کوچک اداء می شوند.

۳-حروف شجری شامل {ج-ش} که با تماس وسط زبان وبا سقف دهان اداء می شوند.

۴-حرف ضرسی که حرف {ض} استکه با تماس کناره زبان با دندانهای اضراس اداء میشوند.

۵-حروف ذولقی شامل {ل-ن-ر} هستند که از تماس سرزبان با لثه ثنایای بالا اداء میشوند.

۶-حروف نطعی شامل {ط-د-ت} که از تماس سر زبان با برآمدگی پشت لثه ثنایای بالا و آزادسازی هوای حبس شده ایجاد می شود.

۷-حروف اسلی شامل {ص-س-ز} هستند که از تماس نوک زبان به پایه ثنایای پایین و تماس قمتی از سطح زبان به سطح صاف پشت لثه ثنایای بالا پدید می آید.

۸-حروف لثوی شامل {ظ-ذ-ث} هستند که از تماس قسمتی که مجاور نوک زبان است با لبه دندانهای ثنایای بالا ایجاد می شود بطوری که نوک زبان از سر دندان ها جلوتر قرار می گیرد.

۹-حروف شفهی شامل {ب-م-و} هستند که از چسیدن دولب و حرف واو از جمع شدن دولب بدون انطباق با یکدیگر ایجاد می شود.

۱۰- حروف غُنّه شامل {ن-م} هستند که هنگام اداء از فضای بینی خارج می شوند

اما مخرج اول: محل خروج « حروف مد »

این حروف بدون تکیه به قسمت معینی از دستگاه تکلم، در «فضای» دهان تولید و خارج میشوند.

«حروف مد» که به آنها حروف «مد و لین» نیز گفته میشود عبارتند از: الف مدی، واو مدی، یاء مدی. به عنوان مثال در کلمات، «اتونی»، «اوتینا» و «اوذینا» این سه حرف جمع آمده اند.

الف مدی: صدایی است که از کشیده شدن «فتحه» حاصل میشود.

هنگام تلفظ الف مدی، تنه زبان به پایین و کمی عقب متمایل می شود و آرواره ی زیرین، با کمی پایین آمدن به باز شدن دهان کمک می کند و با کشش صوت، الف مدی تولید می شود. اگر این حالت از لحاظ زمانی به نصف کاهش پیدا کند، «فتحه» تولید می گردد.

لذا در زبان عرب، هیچ تفاوتی در تلفظ « فتحه » و « الف مدی » نیست مگر از لحاظ « زمان » کشش صوت! (تفاوت کمی)

تفاوت حالت ترقیق الف مدی (رقیق و نازک شدن صدای الف) با حالت تفخیم آن (پر حجمی و صدای درشت الف) در این است که سطح زبان در حالت ترقیق نسبت به تفخیم آن از سقف فاصله کمتری دارد؛ و در الف مفخم، به کف دهان نزدیکتر می شود. ملاحظه می گردد که این صدا به مخرج حرف خاصی، تکیه و تمایل ویژه ندارد که بتوان آن حرف را «مادر» الف مدی دانست و لذا الف مدی، مطلقاً جوفی است.

واو مدی: عبارت است از «واو ساکنه ماقبل مضموم».

هنگام تلفظ واو مدی، جلوی زبان به پایین و عقب زبان، به سوی کام بالا متمایل می شود، البته تاحدی که عبور هوا از میان زبان و کام بالا هیچ «سایشی» ایجاد نکند.

اگر این حالت از لحاظ زمانی به نصف کاهش پیدا کند، «ضمه» تولید می شود. پس:

در زبان عرب، هیچ تفاوتی بین «ضمه» و «واو مدی» نیست مگر از لحاظ «زمان» کشش صوت! (تفاوت کمی)

در واو مدی، لبها با گرد شدن، به تکمیل صدای واو مدی کمک می کنند. پس واو مدی صرفاً با گرد شدن لبها ایجاد نمی شود بلکه نقش زبان در تولید این صدا، غیر قابل انکار است. باید دانست در «واو مدی» مجرای عبور هوا کمی «بازتر» است و هوادر آن محل «سایش» پیدا نمی کند و لذا صدای واو مدی از واو ساکنه معمولی، کمی «روان» تر است؛ و در واو معمولی، مخرج حرف، کمی فشرده تر و هوا نسبتاً دارای سایش است.

یاء مدی: عبارت است از «یاء ساکنه ماقبل مکسور».

هنگام تلفظ یاء مدی، تنه زبان به جلو و بالا و عقب زبان به پایین میل می کند. در این حالت، تنه زبان، کمترین فاصله را با سقف دهان دارد اما نه به حدی که هوای خروجی از میان آنها، دچار «سایش» گردد. اگر این حالت از لحاظ زمانی به نصف کاهش یابد، صدای «کسره» تولید می شود. پس:

در زبان عرب، هیچ تفاوتی بین «کسره» و «یاء مدی» نیست مگر از لحاظ «زمان» کشش صوت! (تفاوت کمی)

یاء مدی و یاء ساکنه معمولی نیز در مساله «روان» تر بودن صدا و عدم «سایش» هوا در یاء مدی، متفاوت هستند. در یاء معمولی، مخرج حرف کمی فشرده تر و هوا دارای سایش است.

ملاحظه می شود هر سه حرف مد در تلفظ خود، از ایجادسایش جریان هوا، خودداری می کنند و از آنجا که در مسیر خروج خود با هیچ عضوی، اصطکاک ندارد، به حروف «جوفیه» و نیز «هوائیه» مشهورند.

تمرین:

۱-حروف جوفیه یا هوائیه را نام ببرید؟

۲-ضمه چگونه تولید میشود؟

۳-حروف مد را در آیات زیر مشخص نمایید

مخرج دوم: محل خروج دو حرف (ه-و)

این مخرج، «اقصى الحق» نام دارد. «اقصى» به معنای «دورترین» آمده و در اینجا مقصود، دورترین قسمت حلق نسبت به دهان است. این مخرج، دقیقاً در محل تارهای صوتی واقع شده است.

«تارهای صوتی» در واقع «دوپرده»ی ظریف هستند که درون حنجره قرار گرفته اند. حنجره محفظه‌ای است که از چند غضروف تشکیل شده است. وقتی سر خود را به عقب می‌بریم، قسمت جلوی حنجره به صورت برآمدگی جلوی گردن مشخص می‌شود که به «سیب آدم» معروف است. چاک یا فاصله بین لبه پرده‌های صوتی را «چاکنای» گویند. گفتیم «اقصى الحق» در محل تارهای صوتی قرار دارد و محل خروج دو حرف «همزه» و «هاء» است. هنگام اداء حرف همزه، تارهای صوتی به هم می‌چسبند و هوای خروجی از ریه‌ها در پایین چاکنای، محبوس شده و فشار آن بالا می‌رود و در لحظه‌ای که تارهای صوتی به شدت از یکدیگر جدا می‌شوند، هوا به صورت «انفجار» به بیرون «پرتاب» می‌شود و صدای «همزه» ایجاد می‌گردد. در تجوید لزوماً باید «همزه» به تیزی و قدرت اداء شود و نباید به نرمی و سستی تلفظ گردد. (مهم)

تمرین:

۱- مخرج (ع-ه) را توضیح دهید.

۲- مخرج (ع-ه) را در آیات زیر مشخص کنید:

سورة القدرِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

مخرج سوم: محل خروج دو حرف (ع-ح) این مخرج، «وسط الحق» نام دارد. در اثر تنگ شدن دیواره های حلق، هوای بازدم-بدون این که مرتعش شود- سایش پیدا می کند و صدای گرفته و نسبتاً خشن «ح» ایجاد می شود.

اگر به چنین وضعیتی، صوت حاصل از ارتعاش تارهای صوتی هم اضافه شود، آنگاه صدای «ع» تولید می گردد. در صدای «ع» از گرفتگی و خشونت «ح» خبری نیست؛ گویی صدای آن به نرمی به دیواره های حلق کشیده می شود! دقت کنید که دو حرف «ح» و «ع» نباید با درشتی و تفخیم اداء شوند. همچنین افراط و فشار در «ح» و «ع» این دو را به «خ» و «غ» شبیه می سازد و تفریط آنها نیز صدای نامفهوم جوفی تولید می نماید.

مخرج چهارم: محل خروج دو حرف «غ-خ»

این مخرج، «ادنی الحق» نام دارد. «ادنی» به معنای «پست تر-نزدیکتر» است.

«ادنی الحق» نزدیک ترین محل حلق به دهان است. طبق نظر علمای تجوید، محل تولید این دو حرف، دیواره های حلق بلافاصله در عقب زبان کوچک می باشد اما واقعیت علمی این است که دو حرف «غ-خ» در اثر ارتعاشات سریع نرم کام که به زبان کوچک ختم می شود، تولید می گردند.

* صدای «غ» نسبتاً نرم و ممتد بوده و با ارتعاش تارهای صوتی همراه است. مانند صدای «غره غره» آب در گلو!

* حرف «خ» صدای «خراش» در مخرج خود ایجاد می کند و تارهای صوتی هنگام اداء آن مرتعش نمی شوند. باید دقت کرد که دو حرف «غ» و «خ» درشت و پر حجم هستند.

همچنین افراط و فشار در تلفظ این دو حرف، «غ» را به خاء شبیه می سازد و صدای نامفهوم جوفی و خاء به حرف «حاء» شباهت پیدا می کند.

حروف شش گانه «ء-ه-ع-ح-غ-خ» را «حروف حلقی» نامند.

تمرین:

۱-مخرج حروف (ع-ح) را توضیح دهید.

۲-مخرج حروف (غ-خ) را بیان کنید.

۳-مخارج چهار حرف فوق را در آیات زیر مشخص نمایید:

علق

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ «۱» خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ «۲» اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ «۳» الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ «۴» عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ «۵» كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَغْيَى «۶» أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى «۷» إِنْ أَعْلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ «۸» أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ «۹» عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ «۱۰» أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ «۱۱» أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ «۱۲» أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ «۱۳» أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ «۱۴» كَلَّا ۚ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ «۱۵» نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ «۱۶» فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ «۱۷» سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ»

مخرج پنجم: محل خروج «ق»

«ریشه» زبان اصلی بالارفته و با زبان کوچک (لهاه) مماس می شود. در یک لحظه هوا در پشت این مانع حبس می شود (راه بینی نیز بسته است) و ناگهان مخرج حرف از هم بازمی شود و حرف «ق» تولید می گردد.

صدای «ق» برخلاف «غ» نرم و ممتد نیست بلکه محکم و با شدت اداء می شود (انسدادی). اما اگر مرحله «رهایی» باکندی و سایش صورت گیرد، «ق» بوی «خ» می گیرد! که در تجوید، مطلوب نیست.

مخرج ششم: محل خروج «ک»

«عقب زبان» کمی جلوتر از «ریشه» آن، با زبان کوچک (لهاه) مماس می شود و راه دهان را می بندد (هم زمان راه بینی هم بسته است) و ناگهان مخرج حرف از هم بازمی شود و صدای «ک» تولید می گردد.

پس مخرج «کاف» از مخرج «قاف» به جلوی دهان نزدیکتر است و سطح وسیعتری از «عقب زبان» را به خود اختصاص می دهد.

حرف «ک» نیز با شدت و پس از انسداد کامل اداء می شود و اگر مرحله «رهایی» باکندی و سایش صورت گیرد، صدای «ک» حالتی تیز و همراه با «رخوت و سستی» به خود می گیرد، که این نیز در تجوید، مورد قبول نیست. برای مقایسه بین کاف صحیح و غلط، چند بار کلمات «کلم» و «کاهوار» تکرار کنید. صدای «ک» در «کاهو» صحیح است. پس از فراگیری صدای صحیح «ک»، آن را در تمامی حالات کاف متحرک و ساکنه در قرآن به کار ببرید.

از آنجا که زبان کوچک (لهاه) در تولید دو حرف «ق» و «ک» نقش مشترک دارد، لذا به این دو حرف، «حروف لهوی» گویند.

مخرج هفتم: محل خروج «ج - ش - ی»

«میان زبان» (وسط اللسان) با قسمت مقابل خود از سخت کام، این سه حرف را با ویژگیهای متفاوت (صفات مختلف) تولید می کنند.

«ج»: با چسبیدن بخش جلویی «وسط زبان» به مقابل خود از سخت کام و سپس رها شدن آنها و در حال ارتعاش تارهای صوتی، تولید می شود؛ لذا جزء حروف شدیده و انسدادی است. برخی از قاریان، این حرف را با فشردن «سر زبان» به دندانهای جلو و لثه آنها، همراه می کنند که نتیجتاً «ج» تیز تولید می شود. (آسیب تجویدی).

«ی» با نزدیک شدن «میان زبان» به قسمت مقابل خود را از سخت کام و همراه با ارتعاش تارهای صوتی، تولید می شود اما فشار و سایش هوا در حرف «یاء» کمتر از «شین» است.

قبلاً در مقایسه بین حرف «یا» با «یاء مدی»، گفتیم: «مخرج یاء مدی همان مخرج یاء معمولی است. با این تفاوت که در یاء مدی، سایش هوا در مخرج وجود ندارد و صدای آن روان ترمی گردد.»

افراط در سایش هوا موجب شباهت «ی» به «ژ» و حتی «شبه انسداد» مثل صدای «گ» میگردد.

به سه حرف «ج - ش - ی»، «حروف شجری» گویند.

«شجر» یعنی «گشادگی و شکاف دهان». شاید مقصود حالت گنبدی شکل و فرورفتگی سقف دهان باشد؛ مانند شکافی که در تنه درخت ایجاد می شود.

تمرین:

۱- مخرج ق و ک را توضیح دهید.

۲-مخارج حروف شجری را بیان نمائید.

۳-حروف فوق را در آیات زیر مشخص نمائید:

سورة الليل

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ «۱» وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ «۲» وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ «۳» اءن سَعِیْكُمْ لَشَتَّىٰ «۴» فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ «۵» وَصَلَّىٰ بِالْحُسْنَىٰ «۶» فَسَنِيَرُهُ لِّلْیَسْرَىٰ «۷» وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ «۸» وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ «۹» فَسَنِيَرُهُ لِّلْعُسْرَىٰ «۱۰» وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ «۱۱» اءن عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ «۱۲» وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ «۱۳» فَأُنذِرْتُكُمْ نَارًا تَلْفَىٰ «۱۴» لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى «۱۵» الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ «۱۶» وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى «۱۷»

مخرج هشتم: محل خروج «ض»

این حرف از تماس بخش اعظم کناره زبان (در طرف چپ یا راست) با دندانهای آسیای بالا در همان طرف، همراه با ارتعاش تارهای صوتی ایجاد می شود. گویند خروج آن از کناره چپ زبان آسان تر است.

«ض» را به دلیل نسبت آن با دندانهای اضراس (آسیا)، «ضرسی» گویند و تلفظ حرف «ض» با صدای درشت و پر حجم (تفخیم) همراه است. این حرف از لحاظ نحوه اداء از مشکلترین حروف زبان عرب است.

به گفته منابع تجوید و آواشناسی عرب، در هیچ زبانی به کار نمی رود و لذا زبان عرب را «لسان ضاد» گویند امروزه در تلاوت اکثر قریب به اتفاق اساتید، حرف «ض» به صورت «انسدادی پر حجم» مانند «دال پر حجم» یا «دال مفخم» اداء می شود. حال آنکه اهل اداء این حرف را بلاشک دارای «رخوت» می دانند. یعنی ممتد و کشیده تلفظ می گردد.

با در نظر گرفتن «شیوع» غیر قابل انکار نوع اول و «اصالت» نوع دوم، هر دو تلفظ را قابل پذیرش اما نهایتاً «ض» را به صورت دال «مفخم» (یعنی دال پر حجم و درشت) اما با نرمی و بدون شدت زیاد، تلفظ می کنیم.

به عبارت دیگر: تمامی کناره ی زبان را با دندان های بالا تماس کرده و در حالی که اراده ی «دال مفخم» می کنیم، با «کندی» و «بدون انفجار ناگهانی»، کناره ی زبان را از دندانها جدا می کنیم. اگر این کار به درستی انجام شود، ضاد «اصیل» اداء خواهد شد.

به هر حال در بحث «ض» مهم تر از هر چیز این است که «ض» مانند «ظ» تلفظ نشود.

مخرج نهم: محل خروج «ل»

این حرف از اتصال نوک زبان (ذلق یا ذولق اللسان) با مرز بین لثه ی بالا و گودی سقف دهان (برجستگی عقب لثه های ثنایای بالا) ایجاد می شود.

در این حالت، کناره های زبان از دندانهای مقابل خود در آرواره ی بالا، جدا می شود و هوای خروجی، در حالی که تارهای صوتی مرتعش هستند، ازدو کناره ی زبان خارج می شود.

البته در توصیف مخرج «ل» چنین نیز گفته اند:

بخش جلویی کناره ی زبان از دو طرف، به اضافه ی نوک زبان، با لثه های مقابل خود (لثه ی دندان های ضوا حک، انیاب، رباعیات، و ثنایای بالا) تماس دارد و قسمت عقب کناره ها از دندان جداست. با این توصیف، حرف «ل» را می توان حرفی «وسیع المخرج» دانست.

باید دقت کنیم که افراط در فشار هوا و نزدیک کردن بی مورد وسط زبان به سقف دهان و نیز کناره های آن به دندانها، هنگام تلفظ «ل» سایش ایجاد کرده و نتیجتاً صدای آن با صدایی شبیه «ژ» مخلوط می شود. همچنین هنگام تلفظ «ل» نبای د صوت قطع گردد.

تمرین:

۱- مخرج حرف ض را توضیح دهید.

۲- مخرج حرف ل را بیان نمائید.

۳- حروف ض و ل را در آیات زیر مشخص نمائید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «١» الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «٢» الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ «٣» مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ «٤» يَا كُفَّارُ يَا كُفَّارُ نَسْتَعِينُ «٥» اهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ «٦» صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ «٧»

مخرج دهم: محل خروج «ن»

این حرف از تماس «نوک زبان» با بخش عقب ثنایای بالا-کمی جلوتر از لام- تلفظ می شود و هم زمان، تارهای صوتی نیز مرتعش می شوند. هنگام اداء «ن»، تمامی لبه ی زبان از دو طرف به طور کامل به دندانهای آرواره ی بالا می چسبد و راه عبور هوا از دهان کاملاً مسدود می شود. آنگاه هوای خارج شونده ناچار از راه بینی که در این لحظه باز است، خارج می گردد (غنه).

مخرج یازدهم: محل خروج «ر»

این حرف از وصل و قطع بسیار سریع «نوک زبان» با برجستگی عقب لثه ی ثنایای بالا و همراه ارتعاش تارهای صوتی، ایجاد می شود و لذا میتواند بارها سریعاً تکرار شود. (صفت تکریر).

مخرج دوازدهم: محل خروج «ت-د-ط»

این سه حرف از تماس «سرزبان» با صفحه ی پشت لثه ی ثنایای بالا (دو دندان جلو و وسط آرواره های بالا)، تولید می شوند.

همزمان، تمامی لبه ی زبان از دو طرف با تماس با دندانهای آرواره ی بالا، راه خروج هوا از دهان را مسدود می کند و همچنین نرم کام، راه بینی را می بندد. هوای خروجی، در پشت دهان و بینی، حبس می شود و با آزاد شدن ناگهانی سرزبان و «بسته ماندن» راه بینی، هوا با تمرکز روی سرزبان، به شدت از دهان خارج می گردد و حروف فوق، تولید می شوند.

«ت»: به شرح بالا و بدون ارتعاش تارهای صوتی تلفظ می شود. اگر جدا شدن سر زبان از صفحه پشت لثه، به کندی صورت گیرد، نوعی «ت» با صفت تیزی، شبیه به صدای «س» تولید می‌گردد که آسیب تجویدی محسوب می گردد.

«د»: به شرح بالا اما همراه با ارتعاش تارهای صوتی اداء می شود.

«ط»: علاوه بر اداء به روش فوق، دارای حالتی ویژه است؛ و آن عبارت است از این که هم زمان با تلفظ این حرف، «ریشه» زبان به سوی کام بالا متمایل شده و کف زبان گود می شود. این عمل، حالت پرحجمی ویژه ای به این حرف می بخشد که به آن «تفخیم» گویند.

فراموش نشود که حرف «ط» در واقع نه از حرف «د» بلکه از حرف «ت» درست می شود (تاء مفخم). دانستن این نکته در اداء صحیح «ط» موثر است. از آنجا که به «صفحه ی دارای خطوط برجسته» پشت لثه ی ثنایای بالا که محل خروج این سه حرف است، «نطع» گفته می شود، سه حرف «ت-د-ط» را حروف نطعی نامند.

تمرین:

۱- مخارج حرف ن و ر را بنویسید.

۲- مخارج حروف نطعی را بیان کنید.

۳- حروف فوق را در آیات زیر مشخص نمایید:

يَكَادُ الْبَلَاءُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَأَعَادَ الْأَضْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَأَعِنُّكُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا

فَاتُّوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَكِنْ تَفْعَلُوا
فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

مخرج سیزدهم: محل خروج «س-ز-ص»

سطح جلوی زبان-عقب تر از نوک زبان-به صورت «شیار» با قسمت مقابل خود یعنی برجستگی مرز بین لثه و سخت کام، بسیار نزدیک می شود و از این مجرای تنگ، سه حرف مزبور ایجاد می گردد.

برای ایجاد زمینه ی تولید این سه حرف نوک زبان به لثه ی دندانهای ثنایای پایین می چسبد و کناره های زبان نیز به دندانهای آسیای بالا چسبیده و راه عبور هوا را کنار زبان مسدود می کنند. هم زمان، شکاری در وسط زبان درست می شود که هوا ناگزیر، با سایش فراوان از مجرای تنگ بین این شیار و برجستگی لثه خارج می شود. (حالت سوت ماندی که در این سه حرف وجود دارد، وبه آن «صفیر» گفته می شود، از همین فشردگی هوای ناشی میگردد).

«س»: بدون ارتعاش تارهای صوتی، به صورت ساده تولید می شود.

«ز»: همان «س» است که همراه آن تارهای صوتی مرتعش میگردد.

«ص» همان «س» است و بدون ارتعاش تارهای صوتی تولید می گردد؛ اما با این تفاوت که هم زمان با تولید در مخرج، کف زبان پهن و گود شده و «ریشه» ی زبان، به سوی کام، بالامی آید و در نتیجه، «س» را پر حجم کرده و از آن «ص» می سازد (سین مفخم).

باید دقت نمود که در اداء این سه حرف به ویژه در صفت ویژه آنها یعنی «صفیر» (سوت)، افراط و تفریط نشود. از آنجا که سطح باریک جلوی زبان با حالت «شیار» در تولید این حروف نقش دارد. وبه آن «اسله اللسان» گویند- لذا به سه حرف «س-ز-ص» «حروف اسلی» گویند.

تمرین:

۱-مخارج حروف اسلی را توضیح دهید.

۲-حروف اسلی را در آیات زیر مشخص کنید:

سورة البقرة / ۲

ال م ا «۱» ذلک الکتاب لا ریب فیہ ہدی للمتقین «۲» الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة
ومما رزقناهم ینفقون «۳» والذین یؤمنون بما أنزل اءلک واما أنزل من قبلک وبالا لا ۱ خره هم
یوقنون «۴» اولئک علی ہدی من ربهم واولئک هم المفلحون «۵» ان الذین کفروا سواء علیهم
أنذرتهم ام لم تنذرهم لا ۱ یؤمنون «۶» ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظیم «۷» ومن الناس من یقول ا منا بالله وبالیوم الا ۱ خر وما هم بمؤمنین «۸» یخادعون
الله والذین امنوا وما یخدعون الا انفسهم وما یشعرون «۹» فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً
ولهم عذاب الیم بما کانوا یكذبون «۱۰»

مخرج چهاردهم: محل خروج «ث-ذ-ظ»

در این سه حرف، نوک زبان با لبه ی دندانهای ثنایای بالا مماس شود و هم زمان «سر» سر زبان به لثه ی پشت آنها نزدیک می گردد (مخرج حرف). آنگاه خروج هوا از فاصله ی بین «سر» زبان و «لثه» ها این سه حرف را تولید می کند.

البته توصیه می شود «نوک» و «سر» زبان با شدت و فشار به لبه و نیز لثه ی دندانهای بالا نچسبد. چرا که ممکن است راه عبور هوا مسدود شده و این سه حرف «نطعی» شباهت پیدا کنند.

«ث»: به روش گفته شده و بدون ارتعاش تارهای صوتی، تولید می شود. سطح زبان باید کاملاً مسطح و بی شیار بماند تا این حرف بوی «س» نگیرد.

«ذ»: همان حرف «ث» است اما همراه با آن تارهای صوتی نیز مرتعش می گردند. توصیه ی بالا در مورد حرف «ذ» هم صادق است.

«ظ»: همان حرف «ذ» اما پر حجم و مفخم است (ذال مفخم).

هم زمان با عملکرد مخرج «ذ»، کف زبان گود شده و «ریشه» ی زبان بالا می آید. نتیجتاً صدایی «پر حجم» ایجاد می شود و «ذ» را به «ظ» تبدیل می کند.

تاکید می شود این سه حرف با حالت «نوک زبانی» تلفظ می شوند. لذا دقت کنید و به ویژه تلفظ حرف «ظ» را به خوبی فرا بگیرید تا «ض» را شبیه آن تلفظ نکنید! در واقع این مطلب که «ض» نباید مانند «ظ» تلفظ گردد، قدم اول در تلفظ حرف «ض» است!

اغلب اهل اداء سه حرف «ث- ذ- ظ» را به درستی «حروف لثوی» نامیده اند. چرا که بخش جلوی زبان با کمک لثه ها (عضو ثابت مخرج)، این حروف را تولید می کنند.

تمرین:

۱-مخارج حروف لثوی را توضیح دهید.

۲-حروف لثوی را در آیات زیر مشخص کنید:

وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ 'كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ' (۵۷) وَأَذِ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ' (۵۸) فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ' (۵۹) وَأَذِ اسْتَسْقَىٰ 'مُوسَىٰ' لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّبَا اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (بقره ۶۰)

مخرج پانزدهم: محل خروج «ف»

لب پایین با دندانهای جلودر آرواره ی بالا، مماس شده واز میان آنها، هوا با صدای «ف» خارج می شود. در تلفظ این حرف، تارهای صوتی مرتعش نمی شوند.

مخرج شانزدهم: محل خروج «ب-م-و»

دولب با یکدیگر این سه حرف را تولید می کنند.

حرف «ب»: با انطباق دولب بر یکدیگر تولید میشود. هم زمان با بسته شدن راه خروجی هوا توسط لبها، راه بینی نیز توسط نرم کام و زبان کوچک مسدود می شود. هوادر پشت بینی ولبها، لحظه ای محبوس می شود و با باز شدن ناگهانی لبها، در حالی که راه بینی همچنان بسته است صدای «ب» تولید می شود (انسدادی).

صدای حرف «ب» با ارتعاش تارهای صوتی همراه است. در صورتی که ارتعاش تارهای صوتی نباشد، به جای «ب» حرف «پ» فارسی تولید می گردد.

«م»: این حرف نیز به همان طریق و همراه با ارتعاش تارهای صوتی تولید می گردد؛ با این تفاوت که موقع بسته بودن لبها، راه بینی باز است و صدای «م» از بینی خارج می گردد (غنه)

«و»: برخلاف «و» فارسی، از جمع شدن دولب (به حالت ضمه یا اشمام) وبدون انطباق آنها بر یکدیگر، تولید می گردد. تولید «و» با ارتعاش تارهای صوتی همراه است.

باید توجه کرد که در موقع تلفظ حرف «و» لب ها سریعاً به حالت جمع شدن کامل در آمده و صدای «و» از این لحظه آغاز گردد، نه این که صدای «و» را با «شروع جمع شدن لبها» آغاز کنیم و تا بازگشتن لبها به حالت اولیه ادامه یابد! چهار حرف (ف-ب-م-و) را به لحاظ انتساب به «شفه» (لب)، حروف «شفوی» یا «شفهی» نامند.

تمرین:

۱-مخارج حروف شفوی را توضیح دهید.

۲- حروف شفوی را در آیات زیر مشخص کنید:

وَأَذَقْتُمْ يَا مُوسَى 'لَنْ نَضْبِرَ عَلَى 'طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعَ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْتَبِئُ الْأَرْضُ مِنْ
بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلَهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبُطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ
مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبِ اللَّهِ ذَلِكَ بَانَهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ
وَيَقْتُلُونَ النَّسِيئِينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
وَالنَّصَارَى 'وَالصَّابِئِينَ مِنْ آ مَنِ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِيرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ بقره

مخرج هفدهم: محل خروج «غنه»

در واقع تمامی فضای بینی (خیشوم)، آخرین مخرج یعنی «مخرج هفدهم» محسوب می شود.

صوتی که از ارتعاش تارهای صوتی ایجاد میشود، در صورتی که به جای دهان، از فضای بینی خارج گردد، «غنه» نام دارد.

«غنه» حالت ویژه دو حرف «ن» و «م» است.

برای درک اهمیت نقش خیشوم در ادای این دو حرف، کافی است بینی خود را با انگشتان کاملاً ببندید و مثلاً بگویید: «مهمان من نیامد!» و یا در قرآن بخوانید: «و علی امم ممن معک» (هود: ۴۸). آیا میتوانید عبارت فوق را قرائت کنید؟!

در نون و میم ساکن یا مشدد، جایگاه «دهانی» یا «لبی» آنها کاملاً بسته است و صدای آنها از مخرج غنه خارج می شود. اما در نون و میم متحرک، نه تنها در لحظه ی «رهش» که حتی در خلال حرکت کوتاه کشیده ی آنها نیز صدای مشترک از دهان و بینی خارج می گردد. پس «غنه صفت ویژه دو حرف نون و میم در همه ی حالات سکون و حرکت است».

تمرین:

۱- مخارج حروف غنه را توضیح دهید.

۲- حروف غنه را در آیات زیر مشخص کنید:

وَأَذِ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ «٦٣» ثُمَّ
تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ «٦٤» وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا
مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ «٦٥» فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
لِلْمُتَّقِينَ «٦٦» وَأَذِ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ
أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ «٦٧» بقره

احکام نون ساکنه و تنوین (تعریف نون ساکنه، تعریف تنوین کیفیت وقف بر تنوین، اظهار، ادغام، اقلاب، اخفاء)

• تعریف نون ساکنه: نونی است که هیچ گونه حرکتی اعم از کوتاه و کشیده نداشته باشد و دارای نشانه ی سکون بوده و به کمک حرف متحرک پیش از خود با یک بخش خوانده می شود.

• تعریف تنوین: تنوین نشانه ی نون ساکن زایدی است که در آخر برخی کلمات می آید، نوشته نشده ولی خوانده می شود. تنوین بر سه قسم است: نصب، جر، رفع.

البته قبلاً درباره تنوین مطالبی را عرض کردیم ولی باتوجه به اهمیت بحث تنوین دوباره احکام آن را در بحث نون ساکنه مطرح می نمائیم.

• کیفیت وقف بر تنوین:

◀ در صورتی که حرف آخر کلمه، دارای تنوین نصب باشد، در هنگام وقف تنوین به الف مدی تبدیل می شود. مانند «مَفَازاً» که در هنگام وقف «مَفَازاً» خوانده می شود.

◀ در صورتی که حرف آخر کلمه دارای تنوین جر یا رفع باشد، در هنگام وقف ساکن می شود.

نون ساکنه یا تنوین با توجه به حرفی که بعد آن قرار می گیرد، چهار حالت گوناگون به خود می گیرد. احکام چهار گانه نون ساکنه و تنوین عبارتند از:

۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اقلاب ۴- اخفاء

تمرین:

۱- نون ساکنه را تعريف کنید.

۲- احکام چهار گانه نون ساکنه و تنوین را بنویسید.

۳- نون ساکنه را در آیات زیر مشخص نمایید:

«۷۰» قَالَ اِنَّهُ يَقُولُ اِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْاَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةً لَا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا الْاِنَّ نَ جِنَّتٍ بِالْحَقِّ فَدَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ «۷۱» وَاِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَاْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ «۷۲» فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ اَيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «۷۳» ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً وَاِنْ مِنْ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاِنَّهَارُ وَاِنْ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَاِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ «۷۴» بقره

● اظهار

اظهار به معنای «ظاهر کردن» بوده و در تجوید عبارت است از:

«اداء حرف از مخرجش»

هرگاه نون ساکنه قبل از «حروف شش گانه حلقی» واقع شود، اظهار می شود. یعنی نون به صورت طبیعی و اصلی خود و بدون هیچ تغییری، از مخرجش اداء می شود.

حروف حلقی عبارتند از «ء-ه-ع-ح-غ-خ»

مثال: مِنْهُمْ، أَنْعَمْتَ، حَكِيمٌ خَيْرٌ

● ادغام

ادغام در لغت به معنای «ادخال - داخل نمودن» و در تجوید عبارت است از:

« حذف حرف ساکن و مشدد نمودن حرف بعدی »

هرگاه نون ساکنه یا تنوین، قبل از یکی از حروف «یرملون» یعنی (ی-ر-م-ل-و-ن-) واقع شود، نون ساکنه در آن حرف ادغام می شود. یعنی نون ساکنه خوانده نمی شود و به جای آن حرف مذکور مشدد اداء میشود.

مثال: مَنْ يَهْدِي، عَنْ نَفْسٍ، مِنْ رَبِّكُمْ

نکته ۱:- در چهار کلمه ی « دُنْيَا- بُنْيَانٌ- قِنْوَانٌ- صِنْوَانٌ » که نون ساکنه و حرف یرملون در یک کلمه قرار گرفته است، ادغام صورت نمی گیرد و نون اظهار میگردد.

نکته ۲:- در دو مورد «یس * وَالْقُرْءَانَ الْحَكِيمِ» و «ن * وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» نیز در صورت وصل حروف مقطعه به آیه بعد، نون اظهار می شود.

● اقلاب

اقلاب به معنای «دگرگون کردن - تبدیل نمودن» و در تجوید عبارت است از :

«تبدیل کردن نون ساکنه به میم»

این کار زمانی صورت می گیرد که نون ساکنه به حرف «ب» برسد.

مثال: مِنْ بَعْدِ — مِم بَعْدِ دَقْتِ کُنِید که صدای «م» ایجاد شده باید از فضای بینی و به همراه کمی کشش اداء شود. (غنه)

مثال: مُنَبِّئًا — أَنْبِیَاءَ — سَمِيعٌ بَصِيرٌ

اخفاء

اخفاء به معنای «مخفی کردن» و در تجوید عبارت است از:

«اداء نون ساکنه با حالتی بین اظهار و ادغام»

نون ساکنه نزد بقیه حروف (حروف مابقی) اخفاء می گردد.

در این حالت، نون از مخرج خود اداء نمی شود (یعنی سر زبان به محل خروج نون نمی چسبد) بلکه فقط صدای آن از فضای بینی خارج می شود (غنه)؛ کمی هم باید کشیده شود و سپس حرف بعدی تلفظ گردد.

مثال: أَنْتُمْ، مَنْضُودٍ، مِنْ طِينٍ، أَنْظُرْ، لَيَالٍ سَوِيًّا

تمرین:

۱- اقلاب را تعریف کنید.

۲- ادغام را بیان نمائید.

۳- اقلاب را توضیح دهید.

۴- اخفاء را شرح دهید.

۵- از قرآن کریم برای چهار مورد فوق مثال بیاورید.

احکام میم و نون مشدد و میم ساکنه

● احکام میم و نون مشدد:

در صورتی که دو حرف میم و نون مشدد باشند، صدای آنها با مقداری کشش از فضای بینی ادا می شود. به این حالت در اصطلاح غنه می گویند. مانند: اَنَا، مِمَّا، مِئِی

● احکام میم ساکنه:

میم ساکنه با توجه به حرفی که پس از آن قرار گرفته است، سه حالت به خود می گیرد. احکام سه گانه میم ساکنه عبارت است از:

۱- ادغام ۲- اخفاء ۳- اظهار

۱- ادغام

میم ساکنه فقط نزد حرف «م» ادغام می شود.

میم ساکنه خوانده نشده و به جان آن «م» بعدی مشدد می شود. میم مشدد باید با «غنه» اداء شود و صدای آن باید به اندازه ی دو حرکت امتداد یابد.

مثال: كَمْ مِنْ - اِنَّكُمْ مُلَاقُوهُ - مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

۱- اخفاء

میم ساکنه نزد حرف «ب» اخفاء می گردد.

این اخفاء با حذف مخرج میم و ابقاء غنه ی آن همراه است. و کشش غنه نیز دو حرکت است.

نحوه اخفاء میم ساکنه نزد حرف «باء» به این شکل است که:

صدای میم ساکنه را ب اندازه ی دو حرکت می کشیم و سپس باء را تلفظ می کنیم.
در هنگام کشش میم ساکنه، لبها را مقدار کمی از هم باز نگه می داریم.

باید توجه داشت که میم ساکنه حاصله از اقلاب نون ساکنه و تنوین هم نزد «ب» همین حکم را پیدا می کند و اخفاء می شود. پس در نهایت اقلاب نون ساکنه و اخفاء میم ساکنه به یک صورت انجام می شود.

مثال: وَهُمْ بَارِزُونَ - فَمَنْ بَدَّلَهُ (فَمَم بَدَّلَهُ) - خَيْرٌ بِمَا - (خَيْرٌم بِمَا)

۲- اظهار

میم ساکنه در نزد بقیه حروف «اظهار» می شود، یعنی به صورت طبیعی خود از مخرجش اداء می گردد. پس نه کشش صدا و نه هیچ تغییر دیگری در میم ساکنه صورت نمی گیرد.

تمرین:

۱- احکام میم و نون مشدد را بنویسید.

۲- احکام سه گانه میم ساکنه را توضیح دهید.

۳- احکام میم و نون مشدد و میم ساکنه را در آیات زیر مشخص نمایید:

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَأَذِذَا لِقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَآذِذَا خَلَا بِغُضْهِمْ أَلِىٰ بَعْضٌ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ أَلَا أَمَانِي وَأَعِنِ هُمْ أَلَا □ يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ

بَايْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا
يَكْسِبُونَ» (۷۹) وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ أَعْزَابًا □ أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ
تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۸۰) بقره

احکام مد و قصر (اقسام، اسباب و شرایط)

این مبحث از مباحث مهم و شیرین تجوید است که اجرای احکام آن نقش زیادی در زیبایی لحن تلاوت دارد.

قبلا درباره مد صحبت کردیم ولی بمناسبت بحث قصر مجدداً درباره مد توضیحاتی بیان می نمائیم.

«مد» از لحاظ لغوی به معنای «زیادت - افزونی» و از نظر تجوید عبارت است از:

«امتداد صوت در حروف مد بیش از میزان طبیعی»

«قصر» به معنای «کوتاهی» ضد مد است. در تجوید به معنای

«اداء حرف مد به اندازه طبیعی» آن می باشد.

هرگاه بعد از حروف مدی (الف مدی - واو مدی - یاء مدی)، «همزه» یا «سکون» واقع شود حرف مد باید بیش از میزان طبیعی کشیده شود. پس:

سبب مد دو تاست: همزه - سکون

باید دانست که «تشدید» هم به خاطر آن که یک حرف ساکن درون آن نهفته است، سبب مد محسوب می شود.

مثال:

جاء - سوء - مفلحون (در وقف) - مومنین (در وقف) - ضالّین - اتحاجّونی - الم (الف لام میم)

اقسام مد عبارتند از: ۱- متصل ۲- منفصل ۳- بدل ۴- لازم ۵- عارض ۶- لین

نکات مهم:

۱- اگر حرف مد و «همزه» در یک کلمه قرار داشته باشند (مد متصل)، میزان کشش مد بیش از زمانی است که همزه در کلمه بعد واقع شود. (مد منفصل)

مد متصل می تواند مساوی مد منفصل هم کشیده شود. اما دیگر کمتر از منفصل نمی شود! باید توجه داشت حداکثر کشش مد متصل و منفصل ۲/۵ برابر حالت طبیعی است.

مثال مد متصل: تَشَاءُ

مثال مد منفصل: لَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا - يَبْنِيهِ أَمَدًا

۲- وقتی سبب مد، سکون «عارض» باشد که به خاطر وقف ایجاد شده است (سکون موقت)، کشش مد به میزان حد اکثر ۳ برابر مد طبیعی مجاز است و حتی می توان مد آن را نیاورد، به این مد «مد عارض» گویند.

مثال:

اَلْحِسَابُ (الحساب) - كِتَابُ (کتاب) - كَثِيرٌ (کثیر)

۳- وقتی سبب مد، سکون «لازم» باشد که ثابت و همیشگی است، و یا سبب، «تشدید» باشد (مد لازم)، میزان کشش مد به حد اکثر خود که سه برابر مد طبیعی است، می رسد و کمتر از آن جایز نیست.

مثال: الان - ضالین - طسم (طا سیمیم)

۴- دو حرف (و- ی) ساکنه ماقبل مفتوح نیز که قبلا در بحث صفت «لین» آنها را شناختیم، حرف مد محسوب می شوند ولی سبب مدشان، فقط سکون است. میزان کشش هم مانند مد عارض است. به این مد «مد لین» گویند.

باید دقت کنیم که در موقع کشش مد لین، فتحه ماقبل را به جای واو و یاء ساکنه، مد ندهیم!

مثال:

خَوْفٍ (خَوْف) - اَلَيْكَ (اَلَيْک) - حَمِ عَسَق (حامیم عین سین قاف)

تمرین:

۱- چه موقع حرف مد باید بیش از میزان طبیعی کشیده شود؟

۲- «مد عارض» را تعریف نمائید.

انواع مد را درایات زیر مشخص کنید:

بلی 'مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ' «۸۱» وَالَّذِينَ
۱ 'مَنْ أَوْعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ' «۸۲» وَأَءِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي
إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ۖ اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ
حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ «۸۳» وَأَءِذْ أَخَذْنَا
مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ «۸۴» ثُمَّ
أَنْتُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَأَنْ يَأْتُواكُمْ أَسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوَمُنُونِ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا
جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا ۖ خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ أَعْلَىٰ ۚ أَشَدُّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ «۸۵» أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآ ۖ خِرَءٌ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ
يُنصَرُونَ «۸۶» بقره

حکم فواتح سور و حروف مقطعه

از مجموع ۱۱۴ سوره ی قرآن کریم ۲۹ سوره با حروف مقطعه آغاز می شود که آن حروف با اسم خود خوانده می شوند.

حروف مقطعه بدون تکرار ۱۴ حرف عربی است که عبارتند از:

(ا،ح،ر،س،ص،ط،ع،ق،ک،ل،م،ن،ه،ی)

این حروف را ، برای سهولت یادگیری در جمله ی (صِرَاطُ عَلِيٍّ حَقُّ نَمْسِكُهُ) گردآوری کرده اند.

حروف مقطعه به پنج دسته تقسیم می شوند:

خوانده می شود	نوشته می شود	تعداد حروف
صاد	ص	یک حرفی ها
قاف	ق	
نون	ن	
طا ها	طه	دو حرفی ها
طا سین	طس	
یا سین	یس	
حامیم	حم	
الف لام میم	الم	سه حرفی ها
الف لام را	الر	
طا سین میم	طسم	

چهار حرفی ها	المص	الف لام میم صاد
	المر	الف لام میم را
پنج حرفی ها	کهیحص	کاف ها یا عین صاد
	حم عسق	حامیم عین سین قاف

تمرین:

۱- در چند سوره قرآن حروف رمزی وجود دارد؟

۲- ۵ نمونه از حروف رمزی را بنویسید.

حرف رمزی در آیات زیر چگونه خوانده می شود:

طه «۱» مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ

طسم «۱» تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ

الم «۱» أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا إِنَّا مِنْهُمْ لَا يُفْتَنُونَ «۲»

وقف و ابتدا

وقف و ابتدا در قرائت، عبارت است از:

« قطع صوت در حین قرائت قرآن با تجدید نفس و سپس ادامه ی قرائت »

نحو ی وقف بر آخر کلمات:

۱- وقف بدون تغییر

در صورتی است که حرف آخر کلمه ساکن یا یکی از حروف مدّی باشد، در این دو حالت هنگام وقف، هیچ تغییری در آن داده نشده و به همان صورت وقف می گردد. مانند:

أَقْدَامَكُمْ، وَلَا تُسْرِفُوا

۲- وقف به ابدال

ابدال به معنی تبدیل کردن حرفی به حرف دیگر است. وقف ابدال در دو مورد می باشد:

الف: اگر حرف آخر کلمه تاء گرد (تا تأنیث) باشد، در هنگام وقف، به هاء ساکن تبدیل می شود. مانند:

ءَاتُوا الزَّكُوَّةَ ← ءَاتُوا الزُّكُوهُ

لُمَزَةٌ ← لُمَزَه

ب- در صورتی که حرف آخر کلمه دارای تنوین نصب (َ) باشد، در هنگام وقف، تنوین به الف مدّی تبدیل می شود. مانند:

كِتَابًا ← كِتَابَا

هُدًى ← هُدًى

جَزَاءً ← جَزَاءَا

۳- وقف به اسکان

وقف به اسکان عبارت است از ساکن کردن حرف آخر کلمه در هنگام وقف.

وقف به اسکان در صورتی است که حرف آخر کلمه متحرک یا دارای تنوین جرّ (ِ) یا رفع (ُ) باشد.

مانند:

يَتَسَاءَلُونَ ← يَتَسَاءَلُون

بِالْقَلَمِ ← بِالْقَلَم

نَسْتَعِينُ ← نَسْتَعِين

كَبَدٍ ← كَبَدِ

أَلِيمٌ ← أَلِيم

نشانه های وقف:

م: نشانه ی وقف لازم که حتماً باید در آن محل وقف شود.

قلی: نشانه ی وقف برتر و تأکید بر وقف است.

ج: نشانه ی وقف جایزی است که وصل آن نیز اشکالی ندارد.

صلی: نشانه ی وقف جایزی است که وصل آن برتر است.

لا: نشانه ی جایز نبودن وقف است.

دربرخى قرآن ها نشانه ی (ط) برای تأکید در وقف، (ز) برای وقف جایزی که وصل آن بهتر است، (ص) برای وقف در مواردی که نفس قاری برای ادامه ی قرائت کافی نیست؛ قرار داده شده است.

تمرین:

۱-علامت لا در وقف نشانه چیست؟

۲-علامت صلی در وقف برای چیست؟

۳-علامت قلی در وقف را توضیح دهید.

احکام هاء ضمیر

حرکت هاء ضمیر در صورتی که حرف قبل وبعد از آن دارای صدای کوتاه باشد، اشباع می شود. اشباع در لغت به معنای سیر کردن و در اصطلاح عبارت است از:

تبدیل صدای کوتاه به صدای کشیده یا حرف مدّی.

مانند:

لَهُ مَقَالِيدُ که خوانده می شود: لَهُ مَقَالِيدُ

عِلْمِهِ إِلَّا که خوانده می شود: عِلْمِهِ إِلَّا

موارد عدم اشباع هاء ضمیر، عبارت است از:

۱- ماقبل آن ساکن باشد، مانند: مِنْهُ، إِلَيْهِ

۲- ماقبل آن یکی از حروف مدّی باشد، مانند: هَدَاهُ، كَلَّوْهُ، فِيهِ

۳- حرف مابعد آن ساکن یا مشدّد باشد. مانند: لَهُ الْحَمْدُ، لَهُ الدِّينُ، بِهِ الَّذِينَ

تمرین:

۱- هاء ضمیر چه موقع اشباع می شود؟

۲- هاء ضمیر چه موقعی اشباع نمی شود؟

۳- موارد اشباع یا عدم اشباع هاء ضمیر در آیات زیر را مشخص نمایید:

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ ؕ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ؕ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ۖ إِنَّا بِأَلَدَىٰ أَنْزَلَ
إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُم وَأَهْلُ هُنَا وَأَهْلُ هُنَا وَوَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ
فَالَّذِينَ آمَنُوا تَتَنَاهَىٰ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾
وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذْ أُتِيَ بِالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ
بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ
مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ عَنكَبُوت

مشخصات و اطلاعات آماری قرآن کریم

۱. قرآن دارای چند «سوره» است؟
۲. قرآن چند «آیه» دارد؟
۳. چه تعداد «نقطه» در قرآن به آمار برده شده است؟
۴. قرآن چند «فتحه» دارد؟
۵. قرآن به چند «رأوع» تقسیم شده است؟
۶. قرآن چند بسم الله الله الرحمن الرحيم «دارد؟
۷. چه تعداد «محل وقف» در قرآن وجود دارد؟
۸. قرآن دارای چند «حزب» است؟
۹. چند «آسره» در قرآن به آمار رفته است؟
۱۰. چه تعداد «تشدید» در قرآن وجود دارد؟
۱۱. قرآن آریم دارای چند «حرف» است؟
۲۱. قرآن چند «ضمه» دارد؟
۳۱. چند «مد» در قرآن به آمار رفته است؟

۴۱. قرآن دارای چند «جزء» است؟

۵۱. قرآن چند «بسم الله» دارد؟

۶۱. قرآن دارای چند کلمه است؟

۷۱. قرآن چند «همزه» دارد؟

۸۱. قرآن با چند «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می شود؟

۹۱. نام «قرآن» چند بار در قرآن آمده است؟

پاسخ‌ها:

۱. قرآن دارای «۱۱۴» سوره است.

۲. قرآن دارای «۶۲۳۶» آیه است.

۳. تعداد «۱۰۱۵۰۳» نقطه در قرآن به آمار رفته است.

۴. قرآن آریم دارای «۹۳۲۴۳» فتحه است.

۵. قرآن به «۱۰۰۰» رکوع تقسیم شده است.

۶. قرآن «۱۱۴» بسم الله الرحمن الرحيم دارد.

۷. تعداد «۵۰۹۸» محل وقف در قرآن وجود دارد.

۸. قرآن دارای «۱۲۰» حزب می باشد.

۹. «۳۹۵۸۶» عدد تشدید در قرآن به آار برده شده است.

۱۰. «۱۹۲۵۳» عدد تشدید در قرآن به آار برده شده است.

۱۱. قرآن آریم دارای «۳۲۳۶۷۱» حرف است.

۲۱. قرآن دارای «۴۸۰۸» عدد ضّه است.

۳۱. «۱۷۷۱» عدد مد در قرآن به آار رفته است.

□

۴۱. قرآن «۳۰» جزء دارد.

۵۱. قرآن «۱۱۵» بسم الله دارد.

۶۱. قرآن دارای «۷۷۷۰۱» کلمه است.

۷۱. «۳۲۷۲» عدد همزه در قرآن بکار رفته است.

۸۱. قرآن با «یک» بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می شود.

۹۱. «هفتاد بار».

پایان